

تحلیل تاریخی کاپیتولاسیون در ایران از پیدایش تا عهدنامه ترکمانچای

محمدعلی چلونگر

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده

کاپیتولاسیون در تاریخ معاصر ایران با تحمیل قرارداد ترکمانچای (۱۳۴۳ هـ. ق / ۱۸۲۹م) توسط روسیه آغاز شد و به دنبال آن دیگر دولت‌های خارجی از این امتیاز در ایران برخوردار شدند.

در دوران قبل از قاجار امتیاز کاپیتولاسیون در حد محدودی وجود داشته که با آنچه در عصر قاجار تحمیل شده تفاوت‌هایی را دارد.

تحقیقات انجام گرفته در مورد کاپیتولاسیون در تاریخ ایران بیشتر به این مسأله در دوران قاجار و بعد از آن پرداخته‌اند و پیدایش زمینه‌های تاریخی آن کمتر مورد توجه واقع شده است. این مقاله بر آن است تا سیر تاریخی کاپیتولاسیون در دوران قبل از قاجار و زمینه‌هایی که موجب شد حکام ایران امتیازهایی را در زمینه قضایی به بیگانگان دهند، مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: کاپیتولاسیون، ایران، ترکمانچای، مغول، ایلخانان، صفویه، افشاریه، زندیه، انگلیس، فرانسه، هلند.

مقدمه

کاپیتولاسیون در لغت به معنای انعقاد عهدنامه، فصل‌بندی، طبقه‌بندی مطالب و یا نوشته‌ای که دارای فصول و مواد است، می‌باشد. به دلیل این که پس از قرون وسطی در کشورهای اسلامی همواره قوانین و قراردادهایی که متضمن حقوقی برای اروپاییان بوده، دارای فصول و مواد

بوده، بدین نام معروف شده است.^(۱) در عثمانی به مجموعه عهدنامه‌هایی که از اوایل قرن شانزدهم تا آغاز قرن بیستم مابین این کشور و دول غربی منعقد شده است عنوان کاپیتولاسیون^(۲) اطلاق شده است.

کاپیتولاسیون در اصطلاح روابط بین‌المللی عبارتست از: معاهداتی که به موجب آن کشوری خارجی در مملکتی دیگر، از بعضی حقوق و امتیازات برای اتباع خود که مهمترین آن حق قضاوت کنسولی و اجرای مجازات است، برخوردار شوند. از کاپیتولاسیون به عنوان «حق برون مرزی»^(۳) و «حق قضاوت کنسولی» نیز یاد شده است. بدان جهت حق قضاوت کنسولی گفته می‌شود که قوانین دولت خارجی توسط کنسول آن کشور در محل اجرا می‌شود.

کاپیتولاسیون در دوره مغول

برای ریشه‌یابی اعطای امتیازات به بیگانگان، از جمله کاپیتولاسیون، باید به دوره مغول برگردیم. در این دوره اولین بار، از طرف کلیسای رم^(۴) و پادشاهان اروپایی، هیأت‌هایی به ایران اعزام شدند.

از نکات قابل توجه و مهم در رابطه با حق قضاوت کنسولی در این دوره، عهدنامه تجارته‌ای است که در سال ۷۰۵ هـ. ق / ۱۳۰۵ م بین الجایتو و تجار ونیزی منعقد شد.

تجار ونیزی براساس این معاهده، موفق به کسب امتیازاتی در حد «نوعی کاپیتولاسیون»^(۵) در ایران شدند و این برای اولین بار در تاریخ ایران بود که چنین امتیازی به بیگانگان اعطا می‌شد.

سنای ونیز در سال ۷۲۰ هـ. ق / ۱۳۲۰ م. سفیری نزد ابوسعید بهادرخان، از ایلخانان مغول فرستاد؛ این سفیر توانست طی معاهده‌ای، امتیازاتی را برای تجار ونیزی در ایران کسب کند. طبق این معاهده؛ ابوسعید به بازرگانان ونیزی اجازه داد که در کمال امنیت و آزادی در ایران رفت و آمد و تجارت کنند و از پرداخت جمیع مالیات‌ها، جز حقوق گمرکی معاف باشند. نکته قابل توجه در این معاهده، حق قضاوت کنسولی است که به تجار ونیزی داده شده است؛ طبق این معاهده به ونیزی‌ها اجازه داده شده بود کاپیتولاسیون جهت حل و فصل دعاوی احتمالی مابین خود

و مردم ایران، کنسول‌هایی به چند شهر معتبر از ممالک ایلخانی بفرستند^(۶). همچنین دستور داده شد که در صورت مراجعت کنسول به ونیز، از هرگونه مساعدت و کمک نظامی به تجار و قافله‌های ونیزی، کوتاهی ننمایند و آنها را تحت هیچ عنوان در راه‌ها توقیف یا معطل نکرده و حتی در صورت لزوم از همراه ساختن محافظ با آن جماعت، خودداری نکنند.^(۷)

اولین کنسول ونیزیان، در حدود سال ۷۲۴هـ. ق/ ۱۳۲۳م به تبریز وارد شد و تجار ونیزی در ممالک ایلخانی به تأسیس دارالتجاره‌هایی مشغول شدند و اعتبار و شوکت این‌گونه مراکز و مؤسسات در تبریز به جایی رسید که در سال ۷۲هـ. ق/ ۱۳۲۷م جمهوری ونیز یک نفر بازرس مخصوص به شهر تبریز فرستاد تا امور آن مؤسسات را به دقت تحت کنترل و نظارت قرار دهد.^(۸)

بررسی کاپیتولاسیون از سقوط ایلخانان تا ظهور صفویه

با مرگ ابوسعید در سال ۷۳۶هـ. ق/ ۱۳۲۵م ایران غرق در اغتشاش و نابسامانی شد. به همین دلیل برای کنسول‌های ونیزی در ایران جایی باقی نماند و آنها مجبور به ترک تبریز شدند.^(۹) در رفت و آمدهای اروپاییان، بعد از ایلخانان مغول تا پیدایش دولت صفوی، به قراردادهایی که متضمن حق قضاوت کنسولی به نفع بیگانگان باشد، برخورد نمی‌کنیم.

کاپیتولاسیون در دوره صفویه

در دوره صفویه از بین ممالک مختلف اروپایی: انگلیس، هلند و فرانسه، حق قضاوت کنسولی در ایران را به دست آوردند. ورود هیأت‌های اروپایی به ایران که از زمان مغول شروع شده بود در زمان صفویان به اوج خود رسید و تا سقوط این دولت ادامه یافت.

۱- انگلیس و کاپیتولاسیون در دوره صفویه

مهمترین مقطع در تاریخ مناسبات ایران و غرب، در عصر صفویه، در دوران شاه عباس اول بود؛ زیرا در این دوران جهانگردان و سوداگران مشهور، متوجه ایران شدند و نظر کشورهای اروپایی به اهمیت استقرار روابط تجاری و سیاسی با ایران معطوف شد. به موازات ورود این

هیأت‌ها به ایران، شاه عباس اول هم طی فرمان‌ها و معاهداتی، امتیازات مختلف از جمله حق قضاوت کنسولی در ایران را به آنها اعطا کرد.

با ورود برادران شرلی به ایران، شاه عباس، در سال ۱۰۰۹ هـ. ق / ۱۶۰۰ م به موجب فرمان مخصوصی، حقوق و امتیازات مهمی به تجار اروپایی که مایل به تجارت با ایران بودند، اعطا کرد. از جمله این امتیازات حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع انگلیس در ایران بود. میتوان گفت که به موجب این فرمان سنگ بنای کاپیتولاسیون در دوره صفویه و بعد از آن نهاده شد. به دنبال آن، پادشاهان دیگر صفوی، به تبعیت از شاه عباس، نظیر چنین امتیازات و حقوق را به بیگانگان اعطا کردند^(۱۰) که تا مدت زیادی یعنی حدود سیصد سال بعد از آن نیز، اتباع خارجی مقیم ایران از آن امتیازات کم و بیش برخوردار بودند.

در قسمتی از فرمان شاه عباس اول آمده است: «هیچ یک از قضات ما حق صدور حکمی برضد خود آنها یا اموال ایشان را نخواهد داشت».^(۱۱) «قوانین و احکام به هیچ وجه درباره شخص آنها و مال‌التجاره و دارایی ایشان مجری نخواهد بود».^(۱۲) شاه عباس در عبارت اول، در عمل حق قضاوت کنسولی در ایران را به انگلیسی‌ها داد و با عبارت دوم، در درون مرزهای ایران، حقوق برون مرزی را نیز به آنها اعطا کرد.

در پایان این فرمان آمده: با وجود این «که رسم مملکت چنین است که کلیه فرامین و احکام در هر سال تجدید شود؛ ولی این فرمان الی‌الابد، چه در زمان خودمان و چه در زمان جانشینان ما، لازم است به موقع اجرا گذاشته شود و هیچ وقت تغییری در آن داده نشود».^(۱۳)

پس از آن انگلیسی‌ها با تأسیس کمپانی هند شرقی روابط بازرگانی خود را در ایران توسعه داده و موفق شدند که پرتغالی‌ها را از صحنه رقابت خارج کرده و با استفاده از علاقه شاه عباس اول به تجارت خارجی، حقوق و امتیازات مختلفی کسب کنند. همین کمپانی در سال ۱۰۲۶ هـ. ق / ۱۶۱۷ م موفق شد که طی قرار دادی، در بیست و دو ماده، امتیازات فراوانی در ایران به دست آورد. آنچه در این قرارداد شایان اهمیت است؛ تحمیل شرایط تجار انگلیسی بر دربار و جامعه ایران بود.^(۱۴) قسمتی از مواد این قرارداد، همان حق قضاوت کنسولی بود. طبق این قرارداد اگر انگلیسی‌ها، ایرانی‌ها را به اتهام دزدی و قتل می‌کشتند، ایرانیان حق اظهار نظر نداشتند، ولی

اگر یکی از اتباع انگلیس در ایران مرتکب خلافی می‌شد، قضاوت و داروغگان ایرانی، حتی برای اجرای قوانین ایران در مورد آنها نداشتند و نمی‌بایست مزاحمتی برای آنان ایجاد کنند، بلکه وظیفه داشتند که آنها را به کنسولگری انگلیس معرفی کنند به امید آن که عدالت در مورد آنها اجرا شود و البته هیچگاه چنین نشد. در ماده دوم این قرارداد آمده: «آن جمعی از مردم انگلیس که به تجارت و سوداگری به ممالک محروسه آیند؛ هر قسمت اسلحه و یراقی که خواهند، نگاه دارند، احدی متعرض نشود و اگر احدی از هر طبقه در میانه ایشان دزدی یا حرامیگری نماید، اگر در محل دزدی یا حرامیگری آن کس کشته شود، حکام معترض نشوند و اگر دزد یا حرامی گرفتار شود، در صورتی که مسلمان باشد حکام آن محل در حضور قنصل، او را جزا و سزا رسانند و اگر فرنگی باشد، قنصل او را به قتل رسانند.»^(۱۵) در ماده دهم این قرارداد، آمده است که: اگر از افراد ایلچی انگلیس در ممالک ایران امر بی‌حسابی صادر شود؛ او را گرفته نزد ایلچی فرستند تا او را مجازات کند و حکام ایران حق ندارند مزاحمتی برای انگلیسی‌ها فراهم کنند.

در ماده دوازدهم، اعلام شده است که: اگر از طرف افراد ایرانی، تعدی و تجاوزی نسبت به حقوق افراد انگلیسی صورت گیرد؛ ابتدا کنسول انگلیس، به حکام محلی اطلاع می‌دهد و اگر رسیدگی نکردند باید مسأله را به ایلچی انگلیسی که در رکاب شاه است اطلاع دهد.

در ماده نوزده آمده است: اگر میان مسلمانان و افراد انگلیسی در معاملات جزئی، اختلاف رخ دهد، لازم است حکام آنها را نزد کنسول انگلیس فرستند که کنسول آنها را به دادگاه شرع ببرد تا دادگاه به اختلاف آنها رسیدگی نماید و اگر در معاملات کلی، بیشتر از بیست تومان باشد، کنسول آنها را نزد ایلچی انگلیس که در دادگاه محلی باشد بفرستند تا ایلچی، در حضور قضات اسلام، آنچه موافق شرع باشد عمل نماید.^(۱۶)

انگلیسی‌ها چند سال بعد از درگذشت شاه عباس اول، همان معاهده را با تغییراتی اندک با شاه صفی تجدید کردند.^(۱۷)

این نکته قابل توجه و تعمق است که تمام این امتیازات یک جانبه بود، چراکه تجار ایرانی به علت نداشتن نیروی دریایی، هرگز نمیتوانستند در انگلیستان به تجارت پردازند و از این گونه تسهیلات بهره‌مند شوند.^(۱۸)

۲- هلند و کاپیتولاسیون در دوره صفویه

در سال ۱۰۳۳هـ. ق/۱۶۲۳م. شاه عباس اول، طی قرار دادی که با نماینده کمپانی هند شرقی هلند، هربرت ویسنیک منعقد کرد، مشابه همان امتیازاتی را که به انگلیسی‌ها، در رابطه با قضاوت کنسولی و مسایل قضایی داده بود، به هلندی‌ها داد. در ماده ۸۴ آن آمده بود: «هلندیانی که اشخاصی را از هر ملت در ایران مضروب یا مقتول سازند از جانب فرماندهان و حکام خود محاکمه خواهند شد.»^(۱۹)

در ماده ۵ آمده: «اگر یک فرد هلندی با زنان ایرانی روابطی داشته باشد، به وسیله رییس خود محاکمه خواهد شد» در ماده ۱۷ آن نیز آمده بود که: «مترجم و واسطه شرکت هند هلند نیز از کلیه امتیازات اتباع آن دولت بهره‌مند خواهد بود.» و در ماده ۱۸ آن چنین آمده بود: «همه کسانی که در خدمت هلندیان هستند، از ایرانی و ارمنی و مغربی و بنگالی از هرگونه تعرض و آزاری مصون خواهند بود.»^(۲۰)

۳- فرانسه و کاپیتولاسیون در دوران صفویه

فرانسویان از قرون وسطی و دوران جنگ‌های صلیبی به بعد مشعل دار دنیای مسیحیت شده بودند و همواره نقش حامی و حافظ حقوق مردم مسیحی مقیم کشورهای مسلمان را بازی می‌کردند.^(۲۱)

آنان از طریق انعقاد معاهدات کاپیتولاسیون، امتیازات خاصی برای مسیحیان مقیم امپراطوری عثمانی کسب کرده بودند و در مورد ایران زمان صفویه هم وضع به همین منوال بود. نتایج قابل ملاحظه تلاش‌های آنها در این راستا را در قراردادهای مختلف و از جمله در پیمان‌نامه‌های سال‌های ۱۱۲۰هـ. ق/۱۷۰۸م و در ۱۱۲۷هـ. ق/۱۷۱۵م به وضوح میتوان دید.

الف - حق قضاوت کنسولی، در قرارداد سال ۱۲۰هـ.ق/ ۱۷۰۸م

مهمترین و جامع‌ترین نمونه قراردادی که در آن، مسأله کاپیتولاسیون قبل از معاهده ترکمانچای مطرح شده است، قرارداد «۱۲۰هـ.ق/ ۱۷۰۸م» ایران و فرانسه است. این قرارداد بین نماینده لوئی چهاردهم، لوئی میشل و سلطان حسین به امضا رسید که دارای یک مقدمه و ۳۲ ماده است^(۲۲) که از ماده ۱۶ تا ۲۶ آن راجع به شرایط اقامت و وضعیت حقوقی فرانسویان در ایران است. در مواد ۱۶ تا ۱۸ آن قضاوت کنسولی، در دعاوی بین فرانسویان، در ایران، پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶ این قرارداد آمده است که: اگر بین دو فرانسوی اختلافی بروز نماید، کنسول طبق قوانین کشور خود، به موضوع رسیدگی خواهد کرد و اگر بین یک فرانسوی و یک تبعه دولت دیگر اختلافی به وجود آید، حاکم محل و مأموران داخلی، موضوع را در حضور کنسول بررسی خواهند کرد. در ماده ۱۷ آن آمده است که: اگر بین کنسول، که در واقع رییس بازرگانان است و یکی از اتباع دول دیگر اختلافی رخ دهد، قضات ایرانی حق جلب آنها را ندارند، مگر این که قبلاً در مورد آن از پادشاه، اجازه گرفته باشند و همچنین نمیتوانند خانه فرانسویان را بدون اجازه دربار مهر و موم کنند. در ماده ۱۸ آن آمده است که «اگر قتلی در بین اتباع فرانسوی، واقع شود، کنسول فرانسه طبق قوانین کشور فرانسه دادرسی خواهد کرد و اگر این عمل بین فرانسویان و یا مسلمانان و یا سایر اروپاییان انجام گیرد، قضات مسلمان طبق قوانین اسلام، در حضور کنسول، تحقیقات انجام می‌دهند، ولی حق ندارند بدون دلیل مشخص، متهم را زندانی و جریمه کنند.»

ماده ۶۴ این قرارداد، مربوط به اعتراضات در مسایل حقوقی است که اگر کسی نسبت به یک فرانسوی ادعایی داشت، مدعی باید به قاضی محل عرض حال بدهد، قاضی مترجم کنسول را احضار کرده و به وسیله او، برای کنسول پیغام دهد که دعوا را قطع نماید.^(۲۳)

در روز بعد از انعقاد قرار داد، سلطان حسین صفوی، دو فرمان صادر کرده^(۲۴) و در آنها، تصویب قرارداد را اعلام نمود و نیز آن را بر همگان لازم‌الاجرا دانست. این درحالی بود که هنوز قسمت مهم قرارداد موضوعیت پیدا نکرده بود، چراکه هیچ تاجر و یا کالا و حتی کنسولی از فرانسه، در ایران نبود و گذشته از آن هنوز قرارداد به دست لوئی چهاردهم نرسیده بود.

سلطان حسین برای رضایت خاطر عمومی و توجیه قرارداد مزبور، موضوع را عطف به فرمان شاه عباس اول در سال ۱۰۰۹ هـ. ق / ۱۶۰۰ م کرد که طبق آن به بازرگانان مسیحی آزادی تجارت و بعضی امتیازات دیگر از جمله، حق قضاوت کنسولی داده شده بود.

ب - حق قضاوت کنسولی، در قرارداد سال ۱۱۲۷ هـ. ق / ۱۷۱۵ م.

برای اجرای قرارداد سال ۱۱۲۰ هـ. ق / ۱۷۰۰ م. و رفع سوء تفاهات، از طرف سلطان حسین، محمدرضا بیگ به عنوان سفیر به دربار لوئی چهاردهم فرستاده شد. وی طی مذاکراتی در ورسای، معاهده جدیدی در سال ۱۱۲۷ هـ. ق / ۱۷۱۵ م امضا کرد که به گفته راجر سیوری بسیار به سود فرانسه بود^(۲۵) ماده دهم این قرارداد، در مورد اختلافات اتباع فرانسه و دیگر ملل بود. در این ماده آمده است: «اختلافات میان فرانسویان و اتباع دیگر، بایستی به وسیله حکام شرع اسلام، با حضور کنسول فرانسه رسیدگی شود.»^(۲۶)

در تکمیل این قرارداد، چند ماده دیگر نیز به آن اضافه شد. (سند الحاقی) از جمله این مواد این بود که بازرگانان ایرانی میتوانند در ماری تجارت کنند و از همان امتیازات و حقوقی بهره‌مند شوند که شامل حال اتباع فرانسوی می‌شود. یک کنسول از طرف دربار ایران به ماری اعزام خواهد شد که از پرداخت هرگونه مالیات معاف خواهد بود. به موجب این قرارداد کنسول ایران صلاحیت دارد که متقابلاً به اختلاف بین بازرگانان ایرانی رسیدگی کند. نکته قابل توجه و مهم در این معاهده حق قضاوتی است که دولت فرانسه به عنوان عمل متقابل برای کنسول ایران قبول کرده است. شناختن حق قضاوت کنسولی، برای یک کشور مسلمان در یک کشور غربی و مسیحی، استثنایی بود که بعدها در سایر کشورهای مشابه تکرار نشد.^(۲۷)

نتیجه و پایان قراردادهای دارای حقوق کاپیتولاسیون بین ایران و فرانسه

قراردادهای سال ۱۱۲۰ هـ. ق / ۱۷۰۸ م و ۱۱۲۷ هـ. ق / ۱۷۱۵ م در اثر عواملی چند به مرحله عمل و اجرا نرسید: یکی از اشکالات عمده در عدم اجرای آنها، به اهداف متفاوت طرفین از امضای چنین معاهداتی برمی‌گردد. دولت ایران هدفش از امضای این قراردادها علاوه بر مسایل

تجاری، اهداف سیاسی نیز بود. این دولت می‌خواست علاوه بر این که درآمدهای خود را اضافه کند، دوست نیرومندی نیز به دست آورده باشد و پای فرانسویان را به منطقه باز کند تا با یاری آنها سایرین را که سد نیرومندی بر سر راه او بودند، از میان بردارد. زیرا اگر فقط مسأله بازرگانی و تجارت در انعقاد این قراردادها مدنظر گرفته شده بود، شرکت‌های انگلیسی و هلندی به این کار مشغول بودند و فرانسوی‌ها، مشتری بهتری برای ایران نبودند و صنایع مهمی هم نداشتند که مورد نیاز ایران باشد. از جنبه دیگر، ایران می‌خواست از طریق پشتیبانی فرانسویان، مسقط که در دست اعراب بود و انگلیسی‌ها و هلندی‌ها از آنها پشتیبانی می‌کردند را به دست آورد.^(۲۸)

منظور لوئی چهاردهم، بیشتر حمایت کاتولیک‌ها بود و در درجه دوم امور بازرگانی را مدنظر قرار داده بود. حوادثی بعد از امضای قرارداد اتفاق افتاد که موجب شد آن قراردادها به مرحله اجرا نرسد. این حوادث عبارت بودند از:

۱- مرگ لوئی چهاردهم در سال ۱۱۲۷هـ. ق/ نوامبر ۱۷۱۵م

۲- محمدرضا بیگ سفیر ایران (در بازگشت به ایران) در سال ۱۱۲۹هـ. ق/ ۱۷۱۷م.

در ایران هم بعدها بین صدراعظم و کنسول‌های فرانسه، در نحوه اجرای قراردادها اختلاف به وجود آمد و مهمتر از همه حمله افغانه به اصفهان و سقوط سلطنت صفویه به دست آنها بود. به علت اوضاع متشنجی که بعد از سقوط صفویه به وجود آمد، در سال ۱۱۴۰هـ. ق/ ۱۷۲۷م روابط ایران و فرانسه قطع شد و از شورای سلطنت فرانسه نامه‌ای به کاردان، کنسول فرانسه در اصفهان رسید که بودن نماینده، در ایران ضرورتی ندارد و در آن نامه وی را به پاریس فراخوانده بود.^(۲۹)

کاپیتولاسیون در دوره افشاریه

اعطای امتیاز کاپیتولاسیون به کشورهای بیگانه در دوره نادرشاه و جانشینان او، در سطحی بسیار محدود وجود داشته است. در این دوره به موارد نادری از این قبیل امتیازات که به تجار انگلیسی داده شده است، برمی‌خوریم. زیرا در دوره افشاریه ارتباط سیاسی ایرانیان و اروپاییان، کمتر از دوره قبل بود، آرامش و امنیت دوره صفویه از جامعه ایران رخت بر بسته و موضوع تجارت که در دوره صفویه سبب ورود هیأت‌های سیاسی و تجاری از اروپا به این سرزمین

شده بود، اهمیت خود را تا حدی از دست داده بود. از بین کشورهای اروپایی، شرکت هند شرقی انگلیسی، موفق به کسب امتیازاتی از پادشاه و همچنین حکام ایالات گردید. در طی فرامینی، انگلیسی‌ها موفق به کسب امتیازات مختلفی در جهت تسهیل در امر تجارت خود شدند. در ضمن آنها امتیازاتی در امور قضایی به نفع اتباع خود به دست آوردند. از جمله اینها، فرامینی است که ییگلریگی شیراز، از مارس سال ۱۷۳۶م تا مارس ۱۷۳۷م (۱۱۴۸ تا ۱۱۴۹ هـ. ق) صادر کرده است. در ضمن همین فرمان، حکمران فارس، حق قضاوت کنسولی، به شرکت هند شرقی انگلیس، جهت «تأدیب خدمتکاران شرکت به وسیله خود کارکنان» می‌دهد.^(۳۰) در فرمان دیگری که نایب‌السلطنه، رضاقلی‌میرزا، به درخواست تجار انگلیسی در ایران، صادر می‌کند ضمن دادن امتیازات متعددی در مورد معافیت گمرکی و غیره به تجار انگلیسی، امتیازاتی نیز در مورد مسایل قضایی، می‌دهد و مقرر می‌دارد: «اگر چنانچه تجار انگلیسی در امور جاریه، منفعتی بنگرند و یا خواستار محاکمه عمال و عناصر خاطی شوند، در این احوال، باید مستدعیات ایشان در نهایت استعجال، مورد اعتنا قرار گیرد و در کمال بی‌طرفی و بی‌نظری به قضایای راجعه رسیدگی شود.»^(۳۱)

کاپیتولاسیون در دوره زندیه

بعد از مرگ نادرشاه، سراسر ایران را دوباره آشوب فراگرفت. در مدت بیست سال پس از مرگ نادر، ایران میدان تاخت و تاز فرماندهان سپاه نادر و خوانین مختلف بود. در این دوره آشوب، از توسعه روابط خارجی کاسته شد و محدود به مسایل مربوط به سرحدات عثمانی گشت. اغتشاشات این دوره، موجب شد که نمایندگی‌های تجاری اروپاییان در ایران تعطیل شود. پس از آن که کریم‌خان به زمامداری رسید و صلح و آرامش برقرار گردید و پای اروپاییان دوباره به ایران باز شد، کریم‌خان معاهدات محدود تجاری و سیاسی با آنان منعقد کرد. در این دوره، به معاهدات و فرمان‌هایی برمی‌خوریم که در آنها حقوق ویژه قضاوت کنسولی، به بیگانگان اعطا شده است. از بین کشورهای اروپایی، فرانسه و انگلیس، فرمانهایی از کریم‌خان و جانشینان او دریافت کرده که در ضمن آنان به حق قضاوت کنسولی اتباع آنان اشاره شده است.

الف - برخورداری فرانسویان از کاپیتولاسیون، در دوره صفویه

از بین چندین نماینده و سفیر فرانسوی که در دوره زندیه به ایران آمد و شد کردند، سیور دوسو، موفق شد که فرمانی از ابوالفتح خان، پسر کریم خان بگیرد. وی در ماه اوت سال ۱۷۸۰م/ شعبان ۱۱۹۴هـ. ق در گزارش خود به وزیر درباری فرانسه، اطلاع داد که طبق فرمان پادشاه ایران، فرانسویان امتیازاتی درباره آزادی تجارت و نیز حق انحصار تجارت در خاک را همراه با حق قضاوت کنسولی، به دست آورده‌اند.^(۳۲)

به علت تردید فرانسویان و مسامحه مدیران کمپانی هند شرقی فرانسه، تلاش‌های مختلف این کشور در دوره زندیه، به نتیجه نرسید^(۳۳) کریم خان و جانشینان او، به علت نیاز به پارچه‌های بافت کارخانه‌های فرانسه، برای تأمین لباس نیروهای نظامی خود و نیز جهت راندن امیر مهنا از جزیره خارک، از برقراری رابطه دوستی و تجاری با آنها، استقبال می‌کردند و از دادن امتیازی همچون، حق قضاوت کنسولی ابایی نداشتند.

ب - برخورداری انگلیسیان از کاپیتولاسیون در عهد زندیه

انگلیس در دوره زندیه، مهم‌ترین کشوری بود که در خلیج فارس به بازرگانی می‌پرداخت. کریم خان و جانشینان او به واسطه نیاز به پارچه‌های پشمی انگلیسی‌ها مایل به برقراری مناسبات دوستانه و تجاری با آنها بودند. از طرف دیگر به وجود آمدن یک مرکز تجاری در جنوب ایران، موجب پیدایش درآمدهایی از راه گمرک، برای ایرانیان می‌شد. انگلیسی‌ها برای عملیات تجاری خود در خلیج فارس، دو شهر بصره و بوشهر را مناسب‌ترین مکان تشخیص داده بودند.^(۳۴)

در دوره‌ای بصره را به عنوان محل موقت تجاری انتخاب کردند و باب عالی عثمانی در سال ۱۱۴۳هـ. ق/ ۱۷۴۶م آنجا را رسماً به عنوان کنسولگری، مشمول مقررات کاپیتولاسیون، اعلام کرد.^(۳۵)

انگلیسی‌ها در سال ۱۱۷۷هـ. ق/ ۱۷۳۶م، معاهده‌ای با شیخ بوشهر بستند که تجارتخانه‌ای در آنجا تأسیس نمایند و تجارت بندر را فقط در دست خود بگیرند. کریم خان زند نیز قرارداد

مذکور را به موجب فرمان مخصوصی تصویب کرد. در این فرمان، تسهیلاتی چند، برای بازرگانان شرکت انگلیسی «است ایندیا»^(۳۶) در بوشهر و خلیج فارس، در نظر گرفته شده بود. از جمله یک رشته امتیازات قضایی، بر پایه اصل کاپیتولاسیون، بدون این که چنین عنوانی بر روی آن گذارده شده باشد. در ماده چهارم این فرمان آمده است که: قروض بازرگانان انگلیسی و دیگران می‌بایستی پرداخت شود و اگر شخصی، دین خود را ادا نکند و او در محل یا در بنادر ایران نباشد، حاکم یا شیخ آنجا آن شخص را مجبور کند که دین خود را در اقرب زمان پردازد؛ «و اگر شیخ یا حاکم در انجام دادن این دستور، قصور ورزند، مأمور انگلیس اختیار احقاق حق دارد و میتواند مدیون را به پرداخت وام خود ناگزیر سازد.»^(۳۷)

در ماده دهم آمده است که «مستخدمین و دلال‌ها و دیگران که در نمایندگی کار می‌کنند، از پرداخت مالیات معاف هستند و حکومت عمال آنها با خودشان است و کسی حق دخالت ندارد.»^(۳۸)

کریم‌خان با دادن این حق به انگلیسی‌ها که میتوانند هر ایرانی را در صورت عدم پرداخت دیون خود، مجبور به پرداخت کنند، به صراحت حق اعمال حاکمیت به آنها، در داخل مرزهای ایران را داد و با ذکر این که حکومت عمال آنها با خودشان است و آنها تابع رأی رؤسای خودشان هستند، حق کاپیتولاسیون و حقوق برون‌مرزی را در ایران به انگلیسی‌ها واگذار کرد. این فرمان که بیشتر در جهت منافع انگلیس و به ضرر حاکمیت و استقلال قضایی و تجاری ایران بوده است، بعضی نویسندگان^(۳۹) را بر آن باور داشته که کریم‌خان برخلاف میل باطنی خود و در جهت کاهش مشکلات بازرگانی ایران، این فرمان را صادر کرده است و برخی دیگر^(۴۰) در صدور این فرمان از کریم‌خان، تشکیک کرده‌اند. ولی آنچه قابل توجه می‌باشد این است که درج قضاوت کنسولی، نتیجه تلاش انگلیسی‌ها بوده است و مقامات ایرانی از پی آمدهای منفی آن، آگاهی نداشتند.^(۴۱)

پس از کریم‌خان، برادرزاده‌اش جعفرخان، فرمانی در سال ۱۲۰۲ هـ. ق / ۱۸۷۸ م برای نماینده شرکت هند شرقی در بندر بوشهر صادر کرد. این فرمان تا حدودی مشابه فرمان کریم‌خان بود.^(۴۲)

نتیجه گیری

خصوصیاتی که در کاپیتولاسیون این دوره دیده می شود از جهاتی با رژیم کاپیتولاسیونی که در قرن نوزدهم برقرار گردید، تمایز دارد. حقوق کاپیتولاسیونی که در این دوره از طرف ایران به بیگانگان داده شده، بیشتر به هیأت های سیاسی کشورهای اروپایی که در پی کسب این امتیازات بودند اعطا گردیده است. این حقوق اعطایی به بیگانگان، بخصوص در دوره زندیه، برای کمک به تجارت ایران، توسط حکام و پادشاهان ایران صادر شده است و کمتر مقاصد سیاسی از طرف صادرکنندگان آن، در نظر بوده است و اساساً صادرکنندگان آنها، از ماهیت این فرمان ها و اهداف استعماری آنها آگاهی نداشته اند و گنجاندن مسأله استقلال قضایی مقام های بیگانه در فرمان ها و معاهدات، زائیده کوشش اروپاییان بوده و مقامات ایرانی، از فلسفه آن و کاربرد و پی آمدهای خطرناک و نازیبای آن، آگاهی نداشته اند.

خصوصیت اکثر قراردادهای کاپیتولاسیون این دوره این است که عملاً به مرحله اجرا نرسیدند. با توجه به اوضاع ناآرام ایران بخصوص بعد از زمان صفویه به بعد، زمینه استفاده از آن معاهدات، برای آنها فراهم نشده است. مهمترین قراردادهای دارای حقوق کاپیتولاسیون تا قبل از قرارداد ترکمانچای، قراردادهای منعقد شده بین ایران و فرانسه است. ولی می بینیم که اتباع فرانسه عملاً نتوانسته اند از آن استفاده ای در جهت منافع سیاسی و اقتصادی خودشان بکنند.

اگر در مقام قیاس در مورد تأثیرات کاپیتولاسیون در این دوره، با قرن نوزدهم باشیم، باید ذکر کنیم که به هیچ وجه تأثیرات منفی آنها در حد یک نیستند. در قرن نوزدهم عمده ترین کشوری که از کاپیتولاسیون در جهت اهداف سیاسی و اقتصادی خود استفاده می کرد، روسیه بود. ولی روس ها در این دوره در ایران نفوذ و قدرتی به هم نرزه بودند و روسیه در مقابل ایران، کشوری همانند و یکسان، از جهت قدرت و حقوق محسوب می شد. ضعف حاکم در ایران در دوره مورد بحث، به اندازه قرن نوزدهم نبود و پادشاهان ایران در مقابل بیگانگان، قدرت ابراز وجود داشتند. به همین جهت است که این امتیازات گرچه موجب زیرسؤال بودن استقلال سیاسی

و قضایی ایران می‌شد، ولی بیگانگان نمیتوانستند آن را وسیله‌ای برای مداخله در تمام امور داخلی ایران (بدان صورت که بعدها در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام دادند)، قرار دهند. کاپیتولاسیون این دوره محدود بود و همانطور که ذکر شد، بیشتر شرکت‌های تجاری را در بر می‌گرفت و در ضمن محدود به بیشتر از چند کشور نمی‌شد، چنانچه در دوره صفویه منحصر به انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و هلندی‌ها و در دوره افشاریه به شرکت‌های تجاری انگلیسی بود و در دوره زندیه هم تنها شرکت انگلیسی هند شرقی بود که چنین امتیازاتی را کسب کرد. اگرچه به فرانسوی‌ها هم پیشنهاد شد ولی وارد تجارت با ایران نشدند؛ اما در دوره قاجاریه، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اروپایی و آمریکایی، به علاوه عثمانی، از امتیازات رژیم کاپیتولاسیون در ایران برخوردار بودند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر.ک به علی اکبر دهخدا: لغت نامه «ذیل ماده کاپیتولاسیون». شماره مسلسل ۳۴، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ شمسی، صفویه ۳۴. محمد معین: فرهنگ فارسی متوسط، «ذیل ماده کاپیتولاسیون»، جلد سوم: ک معلومه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰. ص ۲۷۸۱-۲۷۸۰.
- ۲- سرهنگ لاوش: تاریخ ترکیه، با مقدمه رله پنتون، تهران، کمیسیون معارف، چاپ اول، ۱۳۱۶، ص ۱۱۲.
- ۳- حق برون‌مرزی عبارتست از «نظریه توسعه دامنه قوانین محلی به خارج از کشور». ر.ک: ابن الغراء، صلاح‌الدین منجد (مصحح و مؤلف): رسل الملوک، سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب، ترجمه پرویز اتابکی، تهران. سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹.
- ۴- غلامعلی همایون: اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۰.
- ۵- عبدالحسین نوائی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، مؤسسه نشر هما، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۶۳.
- ۶- عباس اقبال آشتیانی: تاریخ مغول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۵، ص ۵۷۲.
- ۷- همانجا.
- ۸- همانجا.
- ۹- نوائی: ایران و جهان، ص ۶۳.
- ۱۰- آرنولد ویلسن: خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۷.

- ۱۱- وحید مازندرانی (گردآوری): مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، ۵۵۹ قبل از میلاد تا ۱۹۴۲ م (۱۳۲۰ شمسی) تهران، وزارت امور خارجه شاهنشاهی، ۱۳۵۰، ص ۶۲.
- ۱۲- سفرنامه آنتونی شرلی به نقل از ویلسن: خلیج فارس. ص ۱۴۸.
- ۱۳- همان، ص ۱۴۹.
- ۱۴- عبدالحسین نوائی: اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ هـ. ق همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۰، ص ۱۵ مقدمه.
- ۱۵- همان، ص ۶۵.
- ۱۶- همان، ص ۶۹-۷۰.
- ۱۷- همان، ص ۱۵ مقدمه.
- ۱۸- همانجا.
- ۱۹- ویلم فلور: اولین سفرای ایران و هلند به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶، ص ۲۶.
- ۲۰- نصرالله فلسفی: زندگی شاه عباس اول، جلد پنجم: سیاست خارجی او (بقیه) تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۷۴.
- ۲۱- کاظم صدر: تاریخ سیاست خارجی ایران، ترجمه دکتر جواد صدر، مقدمه به قلم آلود و ژوفر دولابرادل، تهران، اداره مطبوعاتی پروین، ۱۳۲۲. ص ۸۴.
- ۲۲- عبدالحسین نوائی: اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ م/۱۱۳۵ هـ. ق همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۲.
- ۲۳- همان، ص ۱۴۹-۱۴۱.
- ۲۴- جهانگیر قائم مقامی: یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران، انتشارات ستاد بزرگ ارتش ایران، ۱۳۴۸، ص ۹۱-۹۰.
- ۲۵- راجر سیوری: ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات سحر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۰۷.
- ۲۶- بایگانی وزارت خارجه فرانسه، قسمت ایران، جلد ششم، برگ‌های ۲۳۵ الف تا ۲۴۳ الف، هریت نیز آن را ذکر کرده است. ص ۳۷۷-۳۷۰ به نقل از لارنس لکهارت: انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۵۲۳.
- ۲۷- نجفقلی حسام معزی: تاریخ سیاسی ایران با دنیا، به کوشش همایون شهیدی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۱۴.

- ۲۸- سیبلا شوستر والسر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان - پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران ۱۷۲۲-۱۵۰۲م. ترجمه و حواشی دکتر غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۹۵، لکه‌هات: انقراض صفویه، ص ۵۲۳.
- ۲۹- معزی: تاریخ سیاسی ایران با دنیا، ص ۲۲۷-۲۳۴
- ۳۰- Gombroon's Diary, Vol. IV. 18th. March, 1737 به نقل از رضا شعبانی: تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، جلد اول، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۴۵۷.
- ۳۱- A Historical accounty, vol 1.PP. 30-33 به نقل همان، ص ۴۶۷-۴۶۸.
- ۳۲- نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۷۸۰ سیور دوسو فرستاده از مارس، آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی بصره، جلد اول، نمره ۱۹۷، به نقل از هادی هدایتی: تاریخ زندگی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۲۴۵ به بعد.
- ۳۳- ر.ک. همان، ص ۲۴۴.
- ۳۴- در این موقع اکثر فعالیت‌های تجاری انگلیسی‌ها در خلیج فارس بود و در سال ۱۱۶۴ق. / ۱۷۵۰م. آنها تجارتخانه خود را در اصفهان بستند و بعد از آن دیگر آن را بازگشایی نکردند. ر.ک. ویلسن، خلیج فارس، ص ۲۰۷.
- ۳۵- همان، ص ۲۰۹.
- ۳۶- ن.و. پیگو لوسکا و دیگران: تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، چاپ سوم، ۱۳۵۴ شمسی، ص ۶۱۶.
- ۳۷- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی ایران، ص ۶۷.
- ۳۸- سرپرستی سایکس: تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۴۳۹.
- ۳۹- پرویز رجیبی: کریم‌خان و زمان او، تهران، انتشارات سیمرخ وابسته به امیرکبیر، ۱۳۵۱، ص ۲۱۹.
- ۴۰- عبدالحسین نوائی: کریم‌خان زند، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۰۷-۲۱۴.
- ۴۱- عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی تمدن غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۱۰.
- ۴۲- ر.ک. معزی، تاریخ سیاسی ایران با دنیا، ص ۵۵۳.



شؤبشكاه علوم انساني ومطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی